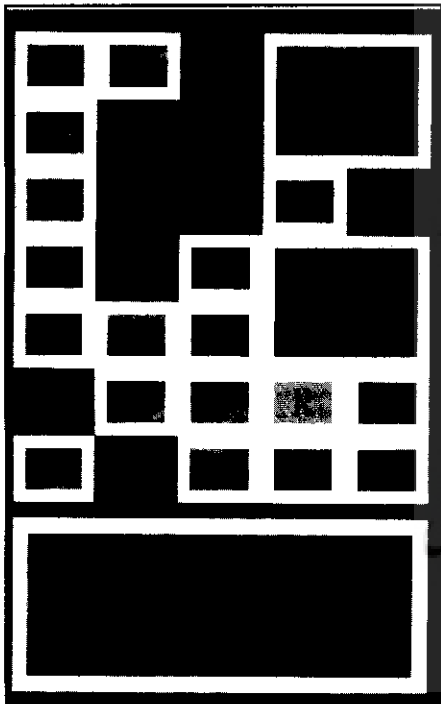


# افول حوزه عمومی در روزنامه نگاری سیاسی غرب

○ شعبانعلی بهرامپور  
پژوهشگر ارتباطات



○ Journalism and Democracy: An Evaluation  
of the Political Public Sphere  
○ Brian Mc Nair  
○ Routledge  
○ ۲۰۰۰

## چکیده:

هدف اصلی برایان مکنر در کتاب «روزنامه نگاری و دموکراسی» پرداختن به موضوع روزنامه نگاری سیاسی و جایگاه حوزه عمومی سیاسی در رسانه های انگلستان در دهه های اخیر است. وی در این کتاب هم به روزنامه نگاری و هم به سیاست، دموکراسی و حوزه عمومی توجه کرده و با رویکرد انتقادی به ارزیابی حوزه عمومی سیاسی در رسانه های مختلف چاپی، شنیداری و دیداری انگلستان می پردازد. مکنر معتقد است در چند دهه اخیر هم رسانه ها سیاسی شده اند و هم سیاست، رسانه ای شده است. وی بر این نکته تاکید دارد که دموکراسی در اثر فرآیند رسانه ای شدن سیاست، کاملاً رسانه ای شده است.

مکنر در این کتاب نشان می دهد که روزنامه نگاری سیاسی در دهه های اخیر در انگلستان دچار بحران شده و از ابتدای نقش اصلی خود در حوزه عمومی سیاسی بازمانده است. مکنر که در فصل های مختلف کتاب نشان می دهد هم روزنامه نگاری سیاسی و هم حوزه عمومی سیاسی از نظر کیفی در رسانه های انگلستان سیر نزولی را طی می کند، علت اصلی این بحران را در تجاری شدن و کالایی شدن روزنامه نگاری سیاسی و انحصار رسانه های سیاسی می داند.

بویژه انگلستان می پردازد. این معیارها به ترتیب عبارتند از الف) منابع اطلاعات ب) خروجی های اطلاعات ج) تعداد مخاطبان و د) کمیت اطلاعات عرضه شده. نویسنده در این کتاب می کوشد با بهره گیری از نظریه «حوزه عمومی» (Public Sphere) یورگن هابرماس جامعه شناس شهیر آلمانی، نقشه ای (Map) از حوزه عمومی در قلمرو روزنامه نگاری سیاسی را به منظور توصیف و تبیین جنبه های متفاوت این نوع روزنامه نگاری از لحاظ درج و جایگاه گزارش ها، رپرتاژ آگهی ها، تحلیل ها و تفسیرها و ستون های ثابت ارائه دهد. وی برای شناسایی رسانه های سیاسی و مخاطبان آن، هرچند ملاک ها و معیارهایی را ذکر می کند، با وجود این در بخش هایی مشخصاً وارد بحث

Routledge روانه بازار شده است. وی پیشتر، کتاب های «جامعه شناسی روزنامه نگاری» (The Sociology of Journalism) را در سال ۱۹۹۸، «مقدمه ای بر ارتباطات سیاسی» (چاپ دوم) را در سال ۱۹۹۹ و «خبر و روزنامه نگاری در انگلستان» (چاپ سوم) را در سال ۱۹۹۹ به چاپ رسانده است. مکنر، هم اکنون دانشیار روزنامه نگاری در دپارتمان فیلم و مطالعات رسانه ها در دانشگاه استرلینگ و همچنین عضو موسسه تحقیقات رسانه های همین دانشگاه است.

برایان مکنر در کتاب «روزنامه نگاری و دموکراسی» با چهار معیار و ملاک کمی (quantitative) به ارزیابی «حوزه عمومی سیاسی» در روزنامه نگاری غرب،

روزنامه نگاری سیاسی\* چیست و درباره چه چیزی بحث می کند؟ قلمرو حوزه ها و ارزش های خبری (Newsvalues) مهم در این نوع روزنامه نگاری چیست؟ شکل، محتوا و سبک این نوع روزنامه نگاری چگونه است؟ آیا این نوع روزنامه نگاری فقط درباره سیاست بحث می کند یا حوزه های دیگری را نیز دربر می گیرد؟ این نوع روزنامه نگاری حاوی چه پیام هایی برای روزنامه نگاران و مخاطبان خود است؟ اینها سوالاتی است که برایان مکنر در کتاب «روزنامه نگاری و دموکراسی» در صدد پاسخگویی به آنهاست. «روزنامه نگاری و دموکراسی» یک ارزیابی از حوزه عمومی سیاسی» آخرین اثر برایان مکنر است که نخستین بار در سال ۲۰۰۰ توسط انتشارات

دولت، احزاب، نهادها و گروه‌های سیاسی بر افکار عمومی و رسانه‌ها اثر می‌گذارند این رابطه هرچند نسبتاً پیچیده است، اما عمدتاً به عوامل درون سازمانی و برون‌سازمانی رسانه‌های سیاسی و خبری برمی‌گردد.

### سیاست‌های رسانه‌ای

نویسنده در جای جای کتاب ضمن طرح بحث‌های مربوط به روزنامه‌نگاری سیاسی و جایگاه حوزه عمومی در این نوع روزنامه‌نگاری به ارتباط رسانه‌ها و نظام‌های سیاسی نیز توجه نشان داده است. از نظر برایان مک‌نر، سیاست در دنیای کنونی در همه، نظام‌های سیاسی، رسانه‌ای شده است. یعنی هم نظام‌های سیاسی لیبرال و هم نظام‌های سیاسی بسته و مطلقه از نظر سیاسی، معنویات خود را از طریق رسانه‌ها اعمال کرده و بطور مستقیم یا غیرمستقیم مردم را در ارتباط با برنامه‌ها، سیاست‌ها و اهداف خود توجیه می‌کنند. هر دو نظام از رسانه‌ها برای تثبیت و بقای خود استفاده می‌کنند. با وجود این، فقط نظام‌های سیاسی لیبرال هستند که از رسانه‌ها برای اعمال دموکراسی استفاده می‌کنند و به همین جهت ما در این کشورها با «دموکراسی رسانه‌ای» (Mediated Democracy) مواجه هستیم. در رژیم‌های مطلقه و استبدادی به دلیل ماهیت این نوع رژیم‌ها، اصولاً بحث اعمال دموکراسی و دموکراسی رسانه‌ای از اساس بی‌پایه است، چرا که نهادهای دموکراتیک یا وجود ندارند یا اجازه ابراز وجود پیدا نکرده‌اند. بحث این کتاب متکی به رژیم‌های سیاسی لیبرال و بویژه انگلستان و آمریکا است. برایان مک‌نر خود نیز اذعان دارد که ممکن است بعضی تحلیل‌گران و منتقدان، گستره و دامنه اعمال حوزه عمومی در رسانه‌های انگلستان را مورد سؤال قرار دهند و آن را کنترل شده بدانند، اما بر این نکته تأکید دارد که تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد «همه تحلیل‌گران و منتقدان بر این نکته توافق دارند که چنین فضا و حوزه‌ای واقعاً وجود دارد و رسانه‌ها در کانون آن قرار دارند» از نظر نویسنده این حوزه‌ها در دموکراسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مک‌نر، واکنش رسانه‌ها در برابر سوءاستفاده از قدرت سیاستمداران و حمله به رسانه‌ها از سوی برخی قدرتمندان را دلیل بر مدعای خود می‌داند. وی واکنش رسانه‌ها به سوءاستفاده‌های سیاستمداران از قدرت را عمل رسانه‌ها در قالب «حوزه عمومی» می‌داند. همچنین انکاس صداهای خاموش ولی معنادار بخش‌های خفته جامعه، از سوی رسانه‌ها نیز در همین راستا ارزیابی شده است. با وجود این در همین جا تأکید می‌شود که کتاب به ارزش‌های نسبی ایده‌های سیاسی مختلف نمی‌پردازد.

### اقتدار جامعه را نادیده می‌گیرند

## به اعتقاد مک‌نر هم روزنامه‌نگاری سیاسی و هم حوزه عمومی در این نوع روزنامه‌نگاری در چند دهه اخیر از نظر کیفی سیر نزولی داشته‌اند

حاضر، علاوه بر سیاست، حتی اقتصاد و فرهنگ نیز به شدت رسانه‌ای شده است. از نظر این کتاب، در حوزه سیاست، دموکراسی که پایه و اساس نظام‌های سیاسی لیبرال است، کاملاً رسانه‌ای شده است. به همین منظور نویسنده کتاب، برایان مک‌نر در اینجا این بحث را مطرح می‌کند که در حال حاضر هر نوع مطالعه و تحقیق درباره دموکراسی باید معطوف به این مسأله باشد که چگونه رسانه‌ها، بویژه رسانه‌های خبری و سیاسی، با گزارش‌ها و تفسیر مسایل و رویدادهای سیاسی، راهیابی بعضی از نامزدهای نمایندگی مجلس را به مجلس و نامزدهای ریاست‌جمهوری را به کاخ‌های ریاست‌جمهوری تسهیل می‌کنند و چگونه روزنامه‌نگاران، اعم از نویسندگان، گزارشگران و سردبیران بر فرآیند سیاسی تأثیر می‌گذارند و افکار عمومی را می‌سازند. به همین جهت این کتاب کوشیده است درحد توان خود به این مسأله بپردازد و جایگاه هر یک از آنها، یعنی روزنامه‌نگاران و سیاستمداران را در فرآیند سیاسی جامعه و در حوزه عمومی سیاسی نشان دهد، در این بحث، مک‌نر به رابطه بین روزنامه‌نگاران و سیاستمداران نیز می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه بعضی از سیاستمداران با حمایت برخی روزنامه‌نگاران وارد «اتاق‌های سیاست» می‌شوند.

از نظر این کتاب، افکار عمومی غالباً توسط سیاستمداران و مشاوران حرفه‌ای آنها در حوزه ارتباطات و روزنامه‌نگاری و با کمک رسانه‌های خبری و سیاسی ساخته می‌شود. با وجود این در بخشی از این کتاب نویسنده بر این نکته نیز تأکید می‌کند که در حالت کلی، کنش متقابل بین هر دو طرف صورت می‌گیرد. به عبارت دقیق‌تر، نویسنده خود بر روابط چندجانبه رسانه‌ها، افکار عمومی و اولویت‌های سیاسی اذعان دارد. رسانه‌ها بر افکار عمومی و افکار عمومی بر سیاستمداران اثر می‌گذارند و متقابلاً سیاستمداران با

### تا این منابع اتراد با گروه‌های منحرف می‌سازند

اقتصاد سیاسی رسانه‌ها می‌شود و این رسانه‌ها را از این حیث نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر برایان مک‌نر، امروزه اقتصاد و به معنای دقیق‌تر آن، بنگاه‌های اقتصادی بر همه رسانه‌ها از جمله رسانه‌های خبری و سیاسی سایه افکنده است و بعضاً برخی از این رسانه‌ها در خدمت آن بنگاه‌های اقتصادی عمل می‌کنند. سیطره بنگاه‌های اقتصادی بر رسانه‌های خبری در جهان به حدی است که گفته می‌شود حتی «رسانه‌های خبری و سیاسی غیرخصوصی هم کاملاً از نظر مالی و اقتصادی به آن بنگاه‌ها وابسته هستند» البته نکته درخور تأمل این است که بنگاه‌های اقتصادی عموماً ارتباط خود را با رسانه‌های خبری و سیاسی انکار می‌کنند و به هیچ‌وجه نفوذ و تسلط خود را بر این رسانه‌ها آشکار نمی‌سازند. نقطه شروع بحث کتاب «روزنامه‌نگاری و دموکراسی» سیاست و رسانه‌ها در دنیای جدید است. از نظر این کتاب، در دنیای امروز، سیاست و رسانه‌ها به هم گره خورده‌اند. برخلاف دوره‌های پیشین که ارتباط بین سیاست و رسانه‌ها چندان معنادار و قابل توجه نبود، از چند دهه قبل تاکنون، هم رسانه‌ها سیاسی شده‌اند و هم سیاست رسانه‌ای (Mediated) شده است. در حال

بلکه صرفاً بر ظرفیت و گنجایش نظام مشترک رسانه‌ها - حوزه عمومی در خدمت و حمایت از فرآیندهای دموکراتیک و به منظور تأمین منافع مردم به عنوان یک کل و بقا و تثبیت نظام‌های سیاسی لیبرال توجه نشان داده و به آنها می‌پردازد.

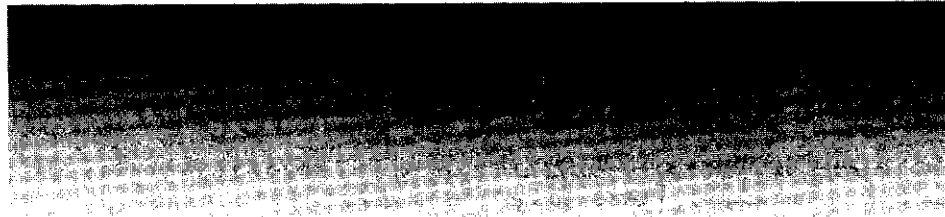
### بحران رسانه‌های سیاسی

برایان مکنر، هم به عنوان یک فرد دانشگاهی و هم به عنوان یکی از میلیون‌ها مخاطب روزنامه‌های سیاسی، انتقاداتی را به روزنامه‌نگاری سیاسی وارد می‌کند و آن را مورد چالش قرار می‌دهد. از نظر مکنر روزنامه‌نگاری سیاسی با همه خصوصیات مثبت و نقش‌های انکارناپذیری که در برقراری و تثبیت دموکراسی ایفا کرده است، اکنون دچار بحران شده است. وی ماهیت بحران رسانه‌های سیاسی را به چند مقوله ارجاع می‌دهد.

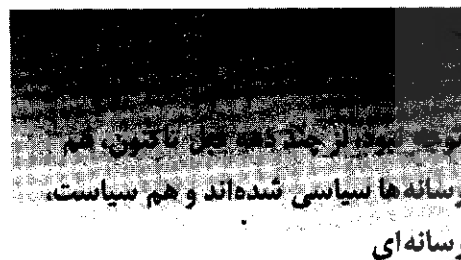
۱ - ظهور مطالب و برنامه‌های تفریحی - آموزشی در نشریات و تلویزیون‌های سیاسی - خبری سبب شد آن‌چه که در روزنامه‌نگاری سیاسی به طور جدی در راستای حوزه عمومی عمل می‌کرد کم کم رو به افول رود. با ظهور و بسط مطالب و برنامه‌های شاد و تفریحی در نشریات و تلویزیون‌های سیاسی - خبری به تدریج از فضای اختصاص داده شده به مطالب جدی سیاسی کاسته شده است. از نظر مکنر، به طور کلی با اینکه در سه دهه آخر قرن بیستم حوزه عمومی در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گسترش پیدا کرده است، با وجود این این حوزه در رسانه‌های خبری و سیاسی تا حدودی جایگاه خود را به نفع برنامه‌های تفریحی و شاد و در عین حال آموزنده از دست داده است.

۲ - ارائه اطلاعات سیاسی بیش از حد مورد نیاز اقشار مختلف از جمله موارد مهم دیگر بحران روزنامه‌نگاری سیاسی در دهه‌های اخیر محسوب می‌شود. در حالی که جوامع جدید به شدت به سمت غیرسیاسی شدن در حرکت‌اند، بیماران اطلاعات سیاسی بیش از حد مورد نیاز و پوشش دادن مقولات و موارد بسیار ریز و کسل‌کننده سیاست سبب نوعی دلزدگی از سیاست در بین اقشار مختلف مردم شده است.

۳ - برایان مکنر نخبه‌گرایی را یکی دیگر از موارد بحران روزنامه‌نگاری سیاسی در چند دهه اخیر بر شمرده است. به دلیل آنکه در چند دهه اخیر اقشار مختلف جوامع غربی به شدت از سیاست روی‌گردان شده‌اند، رسانه‌های خبری کوشیده‌اند حتی‌المقدور برای نخبگان و تحصیل‌کردگان تحلیل و تفسیر ارائه دهند تا آنها را به عنوان مخاطبان اثرگذار خود همیشه به همراه داشته



## امروزه اقتصاد و به معنای دقیق‌تر آن، بنگاه‌های اقتصادی بر همه رسانه‌ها از جمله رسانه‌های خبری و سیاسی سایه افکنده است و بعضاً برخی از این رسانه‌ها در خدمت آن بنگاه‌ها عمل می‌کنند



باشند، از این رو محتوای مطالب و برنامه‌های روزنامه‌نگاری سیاسی به تدریج به سمت جلب توجه نخبگان حرکت کرده و زبان برنامه‌ها و مطالب برای دیگر اقشار این جوامع دشوار شده است. در برخی موارد، این گونه به نظر می‌رسد که نشریات سیاسی فقط برای نخبگان می‌نویسند و تلویزیون‌های مختلف سیاسی، صرفاً برای نخبگان برنامه‌های سیاسی تدارک دیده‌اند. در این فرآیند، بخش عظیمی از اقشار مختلف این جوامع نادیده گرفته می‌شوند.

۴ - غلبه تفسیر در روزنامه‌نگاری سیاسی نیز به منزله یکی دیگر از موارد بحران روزنامه‌نگاری سیاسی قلمداد می‌شود. امروزه بیشتر رسانه‌های سیاسی و خبری، مباحث مربوط به سیاست را با تفسیر و تحلیل ارائه می‌دهند و کمتر به گزارش وقایع و رویدادها می‌پردازند. از نظر نویسنده این کتاب در روزنامه‌نگاری سیاسی، گزارش مستقیم از رویدادها و مسایل سیاسی به تدریج جای خود را به تفسیر رویدادها داده که عمدتاً جانبدارانه است، اکنون از گزارش‌های عینی و زنده از وقایع در روزنامه‌نگاری سیاسی به شدت کاسته شده و به جای گزارش، ستون‌های ثابت تفسیر و تحلیل رویدادها جایگزین آن شده است.

۵ - یکی دیگر از انتقاداتی که به روزنامه‌نگاری سیاسی در ارتباط با کاهش جایگاه حوزه عمومی در این نوع روزنامه‌نگاری وارد شده است، تأثیری است که روابط عمومی‌ها در اشکال مختلفی چون مدیریت اطلاعات دولتی، مدیریت مسایل سیاسی، لابی کردن در خصوص بعضی مسایل و رویدادهای سیاسی و... بر محتوای روزنامه‌نگاری سیاسی دارند. از نظر مکنر، اکنون در غرب روابط عمومی‌ها بر «حوزه عمومی روزنامه‌نگاری سیاسی سلطه» پیدا کرده‌اند و در چگونگی انعکاس رویدادهای مختلف و در عین حال مهم سیاسی دخل و تصرف و اعمال نفوذ می‌کنند. کارهای

روابط عمومی‌ها در این خصوص، عمدتاً در راستای منافع سازمانها، دولت‌ها و گروه‌های قدرتمند است آنها با این کارها، گاهی کانون و ثقل مباحث مربوط به یک رویداد یا مسئله حاد سیاسی را در راستای تأمین منافع افراد یا گروه‌هایی منحرف می‌سازند. از نظر برایان مکنر این انتقاد هم به روزنامه‌نگاری سیاسی انگلستان و هم به روزنامه‌نگاری سیاسی در ایالات متحده وارد است، اعمال نفوذ روابط عمومی‌ها در بسیاری از اوقات، حوزه عمومی را در روزنامه‌نگاری سیاسی مختل کرده است.

مکنر بعد از نقد جدی رسانه‌ها و روزنامه‌نگاری سیاسی دو دلیل برای این بحران برمی‌شمارد که هر یک به نوعی به یکدیگر وابسته هستند: تجاری شدن و کالایی شدن روزنامه‌نگاری سیاسی و انحصار رسانه‌های سیاسی.

رسانه‌های سیاسی برای این که در بازار رقابت بقا داشته باشند کم کم از حجم مطالب کاملاً سیاسی خود کاسته و بر حجم مطالب غیرسیاسی از قبیل سرگرمی‌ها، ورزش‌ها و برنامه‌های شاد و تفریحی افزودند تا بتوانند مخاطبان خود را حفظ کنند. آنها برای این که از گردونه رقابت حذف نشوند به درآمد ناشی از آگهی‌های تجاری

و تبلیغات کالا روی آورده‌اند. این رسانه‌ها برای این که آگهی‌های بیشتری به دست آورند می‌بایست مخاطبان زیادی می‌داشتند که این امر فقط از طریق کاستن برنامه‌ها و مطالب سیاسی و توجه بیشتر به برنامه‌های شاد و تفریحی امکان‌پذیر بود. از این رو آنها برای این که به درآمدهای بیشتر دسترسی پیدا کنند بازار رقابت شده‌اند که در این بازار هر چیزی فقط به عنوان کالا مورد توجه قرار می‌گیرد. علاوه بر این روی آوردن به درآمد ناشی از آگهی‌های تجاری سبب از بین رفتن برنامه‌ها و مطالب عمیق، پویایی و نوآوری‌های اصیل شده است. این رسانه‌ها کم کم به برنامه‌های سطحی، نوآوری‌های ظاهری و از این قبیل روی آورده‌اند. تجاری شدن و کالا شدن سیاست به تدریج انحصار را در این حوزه‌ها نیز رقم زده است. تبلیغات و آگهی انبوه به تدریج رقابت واقعی میان رسانه‌های سیاسی و خبری را از میان برده و انحصار را جایگزین آن ساخت. از این پس شرکت‌های بزرگ انحصاری صاحب رسانه‌ها شدند و روزنامه‌نگاری سیاسی را تحت سیطره خود گرفتند. این دو جریان از هر دو طرف حوزه عمومی را در روزنامه‌نگاری سیاسی تنگ کرده‌اند و عملاً آن را تحت‌الشعاع منافع صاحبان انحصاری رسانه‌ها قرار داده‌اند. تغییراتی که در این فرآیند طی چند دهه اخیر رخ داده است، همگی در جهت به دست آوردن سود بیشتر برای صاحبان رسانه‌ها بوده است. با کاستن شدن از مطالب و برنامه‌های سیاسی در نشریات و تلویزیون‌ها، مطالب جالب و خواندنی، سرگرمی و تفریحی در لابلای صفحات نشریات و برنامه‌های تلویزیون‌های مختلف گنجانده شده که هدف همه آنها مستقیم یا غیرمستقیم تشویق مردم به خرید بیشتر و در نتیجه تأمین آگهی بیشتر برای نشریات و تلویزیون‌ها است. بدین ترتیب در یک فرآیند چند دهه، حتی در رسانه‌های سیاسی و خبری نیز حوزه عمومی رو به افول گذاشته است.

### ساختار کتاب

برایان مکنر کتاب «روزنامه‌نگاری و دموکراسی: ارزیابی از حوزه عمومی سیاسی» را در نه فصل تنظیم کرده است. فصل اول کتاب که بیشتر جنبهٔ مقدماتی دارد، کلیاتی درباره روزنامه‌نگاری و دموکراسی است. در این فصل، نویسنده ابتدا طرح مساله کرده و سپس به نقد جدی روزنامه‌نگاری سیاسی و ظهور بحران در این نوع روزنامه‌نگاری می‌پردازد.

فصل دوم به حوزه عمومی سیاسی اختصاص دارد. در این فصل نویسنده به هر سه نوع روزنامه‌نگاری

سیاسی، یعنی حوزه‌های نوشتاری (نشریات و روزنامه‌ها) دیداری (تلویزیون) و شنیداری (رادیو) به طور کامل توجه کرده و کوشیده است نقشه‌ای از تحلیل این نوع روزنامه‌نگاری و جایگاه حوزه عمومی در هر یک حوزه‌های مختلف آن به دست دهد. نویسنده در عین حال نشریات را در چند بخش عامه‌پسند، نخبه‌گرا و mid-market تقسیم کرده و جایگاه حوزه عمومی سیاسی را در هر یک از آنها نشان داده است. از نظر برایان مکنر هر یک از رسانه‌های سیاسی و حتی رسانه‌های غیرسیاسی اعم از رادیو، تلویزیون و نشریات مختلف، حوزه عمومی سیاسی متفاوتی دارند که ممکن است بعضاً با یکدیگر همپوشی نیز داشته باشند. تحلیل مکنر در این فصل و سایر فصول بر کلیه رسانه‌های سیاسی - خبری انگلستان به معنای اعم کلمه استوار است.

در فصل سوم نویسنده به سیاست و «دستگاه‌های روزنامه‌نگاری سیاسی» پرداخته است. این فصل بنا به اظهار نویسنده، بیشتر به خصوصیات کیفی (qualitative) روزنامه‌نگاری سیاسی که حوزه عمومی در آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است می‌پردازد. قلمرو، موضوعات و صحت اطلاعات در روزنامه‌نگاری سیاسی، سبک‌ها و اصطلاحات این نوع روزنامه‌نگاری همگی در فصل سوم آمده‌اند.

فصول چهارم و پنجم به ظهور و رشد تفسیر و تحلیل سیاسی در روزنامه‌نگاری سیاسی و تثبیت جایگاه آن در این نوع روزنامه‌نگاری و همچنین جایگاه روزنامه‌نگاری تحقیقی در رسانه‌های سیاسی اختصاص دارد. نویسنده در فصل چهارم خاطر نشان می‌سازد به دلیل انتقادات جدی که به روزنامه‌نگاری سیاسی در دادن جایگاه ویژه به تفسیر رویدادها، وارد شده است، فصل جداگانه‌ای را در این کتاب به آن اختصاص داده است. از نظر نویسنده توجه بیش از حد به تفسیر در روزنامه‌نگاری سیاسی، یک عامل مهم افول حوزه عمومی در این نوع روزنامه‌نگاری است. وی معتقد است که تفسیر در روزنامه‌نگاری سیاسی دارای ارزش چندانی نیست، بلکه باید در این نوع روزنامه‌نگاری بیشتر به گزارش رویدادها و وقایع پرداخت. برایان مکنر تأکید دارد که تفسیر و تحلیل رویدادها بیشتر برای مقامات سیاسی و تصمیم‌گیرندگان قدرتمند راهگشاست تا تودهٔ مردم.

«صدای جماعت خاموش: دسترسی و رسانه‌های سیاسی» موضوع فصل ششم کتاب است. در این فصل برایان مکنر، کارکردهای رسانه‌های سیاسی را در ۳

سبک (Style) رپرتاژ، تفسیر و تحقیق (پرسشگرانه) مورد توجه قرار داده است. از نظر مکنر در هر یک از این بافت‌ها، روزنامه‌نگاران در یک دموکراسی لیبرال بین کنشگران سیاسی و مردم نزار دارند و حلقه واسط بین این دو گروه محسوب می‌شوند که در نهایت فرآیند سیاسی جامعه را تعمیق می‌بخشند. روزنامه‌نگاران با قرار گرفتن در این جایگاه می‌توانند به منزله حوزه عمومی عمل کنند و صدای جماعت خاموش جامعه را برای تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری مقامات سیاسی به اطلاع آنان و افکار عمومی برسانند. اگر این سیستم به خوبی کار کند، چرخش اطلاعات به درستی از طریق حوزه عمومی به افکار عمومی می‌رسد و در تصمیم‌گیری‌های مقامات سیاسی خودش را تحمیل می‌کند. مدعی کتاب این است که در چند دههٔ اخیر این سیستم به خوبی کار نمی‌کند.

فصل هفتم کتاب مناسبات بین روزنامه‌نگاری سیاسی و دموکراسی را در ارتباط با روابط عمومی‌ها مورد بررسی قرار داده است. در این فصل روابط عمومی‌ها بعنوان یک عامل در تولیدات روزنامه‌نگاری سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. فصل هشتم رسانه‌ها و سیاست را طی سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۷۹، ۱۸ سال حاکمیت محافظه‌کاران در انگلستان مورد بررسی قرار داده است. فصل پایانی کتاب «روزنامه‌نگاری سیاسی و بحران نمایندگی توده» نام دارد. این فصل که کوتاه‌ترین بخش کتاب محسوب می‌شود در ۸ صفحه به جمع‌بندی مباحث مطرح شده در فصل‌های قبل و نتیجه‌گیری نهایی کتاب می‌پردازد. مکنر معتقد است هم روزنامه‌نگاری سیاسی و هم حوزه عمومی در این نوع روزنامه‌نگاری در چند دهه اخیر از نظر کیفی سیر نزولی داشته‌اند. وی معتقد است گفتمان روزنامه‌نگاری سیاسی به سوی نخبه‌گرایی حرکت کرده و دیگر توده مردم را نه تنها نمایندگی نمی‌کند، بلکه، حتی مورد خطاب قرار نمی‌دهد. روزنامه‌نگاری سیاسی در چند دهه اخیر بیشتر به موضوعات حکومتی، سبکی و مالی تعداد معدودی از قدرتمندان و مقامات سیاسی محدود شده است.

### پی‌نوشت‌ها

\* منظور از روزنامه‌نگاری در کتاب روزنامه‌نگاری و دموکراسی معنای اعم آن است که شامل هر سه حوزه نوشتاری (نشریات و روزنامه‌ها) دیداری (تلویزیون) و شنیداری (رادیو) می‌شود.